

سلام بر حسین

اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا اَباعَبْدِ...
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا زَیْنُ الرِّشْوَلِ...
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا خَیْرَةَ... واَلین خَیْرَتِه
اَلسَّلَامُ عَلَیْکَ یا زَیْنُ اَمیرِ الْمُؤْمِنِینَ
واَلین شَهِیدَ الْمُؤَصِّیْنِ

... ❁ ❁ ❁ ...
سلام بر تو ای اباعبدالله... سلام بر تو ای
فرزند رسول خدا، سلام بر تو ای فرزند امیر
مؤمنان و فرزند سرور جانشینان

بازنچ پوشت که دکن عالم

بازین پیغمبر انبیا کریم

حسینی جاویدم

بازین پیغمبر انبیا کریم

بی نوح صوختا عترت اعظم

■ روزنامه فرهنگی، اجتماعی صبح ایران ■ صاحب امتیاز: سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ■ مدیر مسؤول: مهدی عرفاتی

جامعه

■ شماره: ۱۷۳۵-۳۶۳۷ ISSN
■ پایگاه اطلاع رسانی:
www.jamejamdaily.ir
■ پست الکترونیکی:
info@jamejamdaily.ir



| سه‌شنبه ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ | ۱ محرم ۱۴۴۳ | ۲۰ صفحه | سال بیستم - شماره ۶۰۷ | استان تهران و البرز ۲۰۰۰ تومان - دیگر استان‌ها ۲۰۰۰ تومان | Tuesday - August 10th, 2021

روایت

تکیه‌ای که بود

♦ علیرضا رافتی ♦

«در دو ماه محرم و صفر تهران غزاخانه حقیقی بود. از هیچ نقطه و به هیچ پهانه صدای ساز و آواز برنمی‌خاست و مجلس سروری برپا نمی‌شد مگر سلام تحویل که در دو ماه مزبور با تمام کیفیت منعقد می‌شد. دست‌کم دویست مجلس سوگواری در نقاط مختلف شهر تشکیل می‌شد و دسته‌های سینه‌زن روز و شب در حرکت بودند.»

این جملات برفنی از خاطرات دوستعلی معیرالممالک، نوه ناصرالدین شاه قاجار است. عزاداری ماه محرم در هر دوره‌ای از تاریخ سر و شکل ظاهری خاصی به خود گرفته است. ظاهری که با معمارای و هنرهای دیگر آن دوره متناسب بوده است. به روایت تاریخ‌شناسان، مراسم مذهبی ماه محرم و فرهنگ و هنر ایران همیشه با هم درآمیخته بودند و در برهه‌های مختلف از هم وام می‌گرفتند. به طور مثال، بخش وسیعی از موسیقی سنتی ایرانی را وامدار روضه‌خوانی و تعزیه‌خوانی می‌دانند و حتی کارشناسانی که خلاف این عقیده را دارند، نمی‌توانند نقش روضه و تعزیه را در نگهداری و حفظ موسیقی اصیل ایرانی نادیده بگیرند.

در دوره قاجار هم مراسم عزاداری محرم ظاهر مخصوص به خود را داشت و مثل همیشه تب و شور عجیبی دو ماه فضای شهرهای مختلف کشور را فرا می‌گرفت. اما شور محرم در پایتخت قاجاری بیشتر به چشم تاریخ‌نگاران آمده و از آنجا که بسیاری از خرده‌فرهنگ‌های تهران قدیم با مراسم محرم پیوند خورده‌اند، می‌شود این‌طور برداشت کرد که در دوره قاجار، ماه محرم در تهران با شور دیگری برگزار می‌شده است. به روایت دوستعلی معیرالممالک:

«پوششی فراخ بر سقف تکیه دولت افراشته و به اصطلاح تکیه را می‌بستند. مکان مزبور تا اواسط دوره مظفری یک طبقه بلندتر بود و طاقی از چوب داشت. چون طبقه چهارم از چند محل شکست آورده و بیم آن می‌رفت که ناگهان بر سر خلق فرو ریزد. مظفرالدین شاه مسیو «بتن» نام مهندس فرانسوی را که از دیرباز در تهران می‌زیست به فرنگستان فرستاد و او سقف آهنی تکیه دولت را با خود آورد و طبقه شکسته را برچیده طاق جدید را به جایش استوار ساخت.» تکیه‌ای که نوه ناصرالدین‌شاه از آن حرف می‌زد یکی از شاهکارهای معماری دوره قاجار بود که اوایل دوره پهلوی، مثل همه آن نشانه‌هایی که نمای خوبی از قاجاریه نشان می‌دادند، به طور کامل تخریب شد. تکیه دولت که گردشگران خارجی آن را از حیث بنا و عظمت به آصفی‌تئاتر ورونا در ایتالیا تشبیه می‌کردند، در محله بازار فعلی و در شمال سبزه‌میدان واقع بود. ماه محرم، علاوه بر بیش از ۲۰۰ روضه خانگی و کوچک و بزرگ تهران، بزرگ‌ترین روضه و تعزیه شهر در این بنای عظیم برگزار می‌شد و تمام درباریان نیز در این مراسم عزاداری شرکت می‌کردند.



حجت‌الاسلام سیدجلال موسویان

خطیب وواعظ

ساز و کار دستگاه امام حسین علیه به سبک زندگی ما مربوط می‌شود. یعنی امام حسین علیه که قیام عاشورا را شکل دادند، بنایشان بر این بود که سبک زندگی انسان‌ها را تغییر دهند. مهم‌ترین عنصر موفقیت انسان‌ها، سبک زندگی‌شان است که انسان بر چه مدارای و چه اصول رفتاری و اخلاقی زندگی می‌کند. سبک زندگی اباعبدالله علیه سبکی است که تمام انسان‌ها برای هدایت حقیقی و وصول به‌حق می‌توانند از آن بهره ببرند. اگر کسی دست به سبک زندگی امام حسین علیه داشته باشد در دنیا، برزخ و قیامت نجات پیدا می‌کند. خوشا به حال کسانی که سبک زندگی امام حسین علیه را در سیره عملی و رفتاری خودشان پیاده می‌کنند. در حلول محرم هستیم. امیدوارم امسال محرم از سیره رفتاری امام حسین علیه برخوردار شویم. یکی از رفتارهایی که سیدالشهدا علیه در کربلا معلی و قبل آن در مدینه و در بین راه و حتی در روز عاشورا و در وقت

وداع به آن پایبند بودند تکریم خانواده بود. حضرت همسرانشان را تکریم می‌کردند، دخترانشان را تکریم می‌کردند، پسرانشان را تکریم می‌کردند. این که ما در خانواده کرامت انسانی را حفظ کنیم، از خرد می‌کنند این خلاف سیره اباعبدالله علیه است. در سیره رفتاری امام حسین علیه می‌بینیم، وقتی عقیده بنی‌هاشم علیه به امام حسین علیه ناراحتی خود را ابراز می‌دارند و می‌گویند شما فردا کشته می‌شوید و ما چه کنیم؟ چه بلایی به سر ما می‌آید؟ امام حسین علیه، حضرت زینب کبری علیه را تکریم می‌کنند و می‌فرمایند: خواهرم زینب! مراقب باش که شیطان صبر تو را نبرد. دهه محرم سیدالشهداء علیه دهه کرامت است. دهه عزت است. اولین رفتار عملی ایشان، کرامت بخشیدن به همه افراد است. در سیره رفتاری ایشان، کرامت بخشیدن به گدا هم وجود دارد. روایت داریم شخصی وارد محضر ایشان شد به آقا امام حسین علیه سلام داد و شروع کرد به خواندن شعر. امام حسین علیه او را تکریم و شروع کرد

پیر غلام

سلام ما، سلام ما به کربلای اطهرت

حاج اکبر سواد نداشت. تنها می‌توانست قرآن را بفهمد و از کلمات آن سردر بی‌آورد؛ چیزی که آن دوران به سواد قرآنی معروف بود. اما حافظه فوق‌العاده و ذوق و نبوغش در نوحه‌سرایی و قتی با عنایت اهل بیت گره خورده بود، کار او را به جایی رسانده بود که حاج اکبر ناظم صدایش کنند؛ چرا که او توانایی شگرفی در نظم دادن به کلمات، موسیقی و ساخت نوحه داشت. نوحه‌های ماندگاری که هنوز از گوش و خاطره هیات قنات آباد تهران و دلان‌های بازار بیرون نرفته‌اند. روضه قنات آباد که حالا یکی از قدیمی‌ترین روضه‌های تهران است را حاج اکبر ناظم راه انداخت و یکی از ماندگارترین چهارپایه‌خوان‌های تهران نیز خود او بود. چهارپایه‌خوانی، رسمی قدیمی در عزاداری است که پیشتر در بازار انجام می‌شد و مداح بین مردم روی چهارپایه می‌رفت و نوحه دم می‌داد.

عکس

تعزیه به روایت کمال الملک

تابلوی «تکیه دولت» اثر کمال الملک از معدود تصاویری است که از تکیه بزرگ دولت تهران به‌جامانده است. این نقاشی نمایی از یک تعزیه در حال اجرا را نشان می‌دهد و مردمی که به تماشای تعزیه ایستاده‌اند. به روایت خاطره‌نویسان قاجاری، افراد و الاقام دربار نظیر وزیران و وکیلان برای خودشان جایگاه ویژه‌ای داشتند و با اعوان و انصار در حجره‌ای که مخصوص خودشان بود، حاضر می‌شدند و به تماشای تعزیه و عزاداری می‌نشستند. مکان تقریبی تکیه دولت حالا به بانک تبدیل شده است. زمینی که راوی ده‌ها سال عزاداری باشکوه برای سیدالشهداست و با اشک چشم عزاداران محرم آبیاری شده است. حالا چنان با گچ و سیمان و اسکلتاس‌های دنیای مدرن پوشیده شده که چیزی از آن‌همه معنویت و لطافت در آن پیدا نیست.

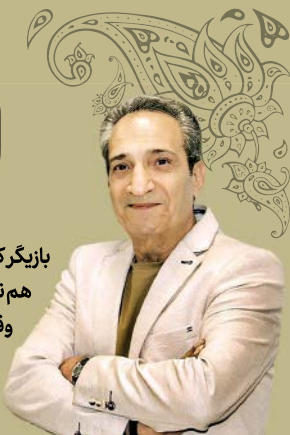
گفت‌وگو

گفت‌وگو با خشایار راد درباره محرم‌های کودکی‌اش

استکان‌های هیأت را می‌شستم

♦ ظاهر آشنیانی ♦

بازیگر کم‌دی است و سال‌هاست او را در فیلم‌ها و سریال‌های طنز می‌بینیم. سال‌هاست از همه خلاقیت و انرژی خود مایه می‌گذارد تا به روش خودش مردم را بخنداند. ادعایی هم ندارد و بی‌حاشیه کارش را انجام می‌دهد. حتی ندیدم اگر برای بازی در فیلم یا سریالی با او شوخی کرده یا انتقادی کرده‌اند، واکنش نشان بدهد یا حاشیه‌سازی کند. مثلاً وقتی در فیلم «مامان، بهروز منوزه» بازی کرد و کلی برای نام فیلم و عکسی که از او در پوستر منتشر شد، جوک ساختند باز هم واکنشی نشان نداد. پذیرفته کارش بازیگری بوده و آنقدر دستش باز نیست که نقش‌ها را انتخاب کند و باید منتظر بماند تا برای بازی در نقشی او را انتخاب کنند. دیروز که به مناسبت آغاز محرم به او تلفن کردم تا خاطر‌اتش را از این ماه مرور کنم حرف‌هایی گفت که نشان می‌دهد بیشترین بهره را از محرم برده و می‌داند از این ماه چه بردارد و از آنها در طول سال استفاده کند.



■ هیات‌رفتن آداب دارد

به راد می‌گویم اسباب عزاداری که بر در و دیوار کوچه و خیابان‌ها می‌نشیند، یادمان می‌آورد که محرم شروع شده، تا‌سوعا و عاشورا در راه است... می‌گوید: همین الان که شما به من تلفن کرده‌اید و درباره محرم صحبت می‌کنیم، خودش یادآوری است. به بهترین شیوه یادم انداختید که محرم شروع شده. از من درباره خاطرات کودکی‌ام از این ماه و دهه اول محرم می‌پرسید. من به کودکی‌ام که خیلی دور هم هست فکر می‌کنم. به پدری که دو سه ساله بودم که فوت شد و من هیچ‌وقت نتوانستم با او به هیات بروم. به روزهایی فکر می‌کنم که بچه بودم و احتمالاً مادرم مرا به هیات و حسینیه می‌برده و گوشه‌ای می‌خوابانده و خودش به عزاداری‌اش می‌رسیده. خانه‌مان میدان خراسان بود، بزرگ‌تر که شدم، ایام محرم می‌رفتم مسجد لوزاده. آنجا خدمت می‌کردم، جای می‌دادم و استکان می‌شستم. جوان هم

که شدم در کنار سینه‌زنی و عزاداری باز هم جای می‌دادم و استکان می‌شستم. اما مراسم عزاداری و سینه‌زنی که تمام می‌شد، می‌رفتم خانه. از آن آدم‌هایی نبودم که تا سحر بمانم و هیات و روضه‌خوانی و سینه‌زنی بهانه‌ای شود برای دورهمی. عزاداری برای سیدالشهدا نباید به کلیشه و دورهمی تبدیل شود. نباید جایی شود که تا سحر بمانی و با دوست و رفقا درددل کنی و وقت بگذرانی. هیات‌رفتن و در هیات‌ماندن، آدابی دارد که باید آنها را رعایت کرد.

■ نیازمندان را فراموش نکنیم

راد می‌گوید: می‌دانی چرا باید محرم را هر سال یادآوری کرد؟ برای این‌که یادمان بماند امام حسین علیه و یارانش چرا شهید شدند. شهید شدند تا ما با انسانیت و عزت زندگی کنیم. یادمان باشد عزت و آبروی آدم‌ها را نگه داریم. یادمان باشد به نیازمندان کمک کنیم. توبی که هیات

می‌زنی و روضه‌خوانی و سینه‌زنی برای امام حسین علیه راه می‌اندازی، حالا که دوره، دوره کروناست و خیلی‌ها بی‌کار و نیازمند شده‌اند، به جای دیگ‌زدن و سیرکردن کسانی که دستشان به دهانشان می‌رسد، این روزها پول دیگ و نذری پختن را برسان به دست نیازمندان. اگر نذری می‌پزی، حواست باشد آن را برسانی به دست نیازمند واقعی. آن کسی که شاید این روزها برای سیرکردن شکم خود و خانواده‌اش مشکل دارد. بیماری این روزها زیاد است، دارو نیست یا گران است. هیات‌ها بهترین جا هستند که پول برای نیازمندان جمع‌آوری شود

و به دست آنها برسد. این راه و روش بزرگان دین و امام حسین علیه بوده که ما باید ادامه‌اش بدهیم. یکی از دلایل یادآوری محرم این است که یادمان بیندازد امام حسین علیه مرام و مردم‌داریش چگونه بود. می‌خواهی امام حسین علیه باشی از ظواهر بگذر و دلت را به امام حسین علیه نزدیک کن. با درگیر ظاهرشدن راه به جایی نمی‌بری.

شعر حسین

دل من بر سر این دار، صفایی دارد
وہا که این شهر، چه بام و چه هوایی دارد
پشت دروازه، مرا فاتحه‌ای مهمان کن
تا بدانند که این کشته، خدایی دارد
پی‌کم تا به زمین خورده، صدا کرد: «حسین»
شیشه از بام که افتاد، صدایی دارد

سیدرضا جعفری

اشقیه

روزگار بین...

♦ امیدمهدی نژاد ♦

از سرانجام نیک اولیا و اتقیا، هم‌آنان که در عاشورای طف به تیغ اشقیا در خون شدند و بهشت را به بها خریدند، بسیار گفته‌اند و سروده‌اند که آنان پاک‌اند و شهیدانند و ولایان و از عاقبت آن ناپاکان نیز که تیغ بر یاران خدا کشیدند و نامشان را در جریده دهر به سیاهی پیوستند شمه‌ای به بیان آورده‌اند و این بهره‌ای از آن شمه؛ گویند در نیمروز عاشورا، جوانی از جانب کاروان اولیا که جمالش به‌کمال بود، سرگشته به میدان درآمد تا به نبرد با ناپاکان پردازد. ناگاه ابن‌فضیل ازادی، ضربتی بر فرق او فرود آورد چنان‌که از مرکب به زیر افتاد و صورت به خاک تیره آشنا کرد. ناگاه از دل فریاد برآورد: عموجانم...! اباعبدالله... چون فریاد او بشنید، چون شاهباز شکاری به میدان شتافت و چوان شیر شزره شمشیر بر ابن‌فضیل دون کشید، ابن‌فضیل، بازوان سپر شمشیر اباعبدالله... کرد و سهل است که دستش از مرقق جدا افتاد. پس صبحه‌ای بزد، استمداد از یاران را. لشکریان، همه بشنیدند و هجوم آوردند تا رهایی‌اش بخشند. روزگار بین که زیر رخص خیل اسبان کوفیان ماند و از همان‌جا به اسافل درک پیوست.

یعقوب، پسر سلیمان گوید: در ایام امارت حجاج در کوفه بودیم. از فرط قحط و جوع از شهر بیرون شدیم و می‌رفتیم تا به زمین کربلا رسیدیم. عزم کردیم بمانیم اما جایی نیافتیم که شب را در آن اتراق کنیم. تا آن‌که کومه‌ای در نظرم‌ان آمد در کنار فرات که از چوب و علف ساخته بودند. داخل شدیم و نشستیم. ناگاه مردی درون آمد و گفت: غریبم و راه کم کرده. اجازت دهید شب را کنار شما در این کومه سر کنم. رخصت دادیم و داخل شد. نشستیم بودیم که آفتاب غروب کرد. چراغ افروختیم از روغن نفت و به صحبت نشستیم. صحبت به ذکر اباعبدالله... رسید و شهادت آن جناب در کربلا. گفتم: شنیده‌ام تنابنده‌ای در آن صحرائ بلا نبود که به نکبتی مبتلا نشد. مرد غریب گفت: حاشا که مدار شیعیان بر دروغ است. من از آنها بودم که در این صحرا بودم و تا حال به بلا و نکبتی گرفتار نیامده‌ام... هنوز این نکته بود که نور چراغ به خاموشی گرایید. مرد غریب دست فراز آورد تا چراغ را باز افروزد. ناگاه آتش چراغ در دستش گرفت. خواست به دمی آتش را فرونشاند، آتش در ریشش افروخت. برخاست تا چاره‌ای کند، آتش در سرپایش افتاد. از کومه بیرون دوید و خویشتن در آب فرات افکند. چون می‌گردید و منتظر تا فراز آید و چون فراز می‌آمد در سر و رویش می‌گرفت و بر این‌حال می‌رفت تا به آتش ابد پیوست.

